



عنوان آزمون : فارسی ۳ (گذر سیاوش از آتش

نام و نام خانوادگی :

زمان آزمون : دبیرستان دخترانه فرهنگ

پایه تحصیلی : دوازدهم تمام رشته ها

تاریخ برگزاری ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

نام دبیر : عباس طائی

۱ کدام یک از ابیات و عبارات «گروه الف» با آرایه‌های «گروه ب» ارتباط دارد؟ (در گروه ب یک مورد اضافی است.)

ردیف	الف	ب
۱	هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند.	حسن آمیزی
۲	به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان	اسلوب معادله
۳	عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را / سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را	تضاد
۴	از شافه‌ی قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.	حسن تعلیل
		جناس

۲ نقش ضمیر پیوسته در بیت زیر با کدام یک از بیت‌های زیر یکی است؟
 «مخور طعمه جز خسروانی خورش / که جان یابدت زان خورش پرورش»
 الف) امشب ز غمت میان خون خواهم خفت / وز بستر عافیت برون خواهم خفت
 ب) چون باده ز غم چه بایدت جوشیدن / با لشکر غم چه بایدت کوشیدن

۳ در عبارت «بزرگ مردی بود خواجه نظام‌الملک.»، از شیوه‌ی بلاغی استفاده شده‌است یا عادی؟

۴ در بیت زیر، از شیوه‌ی بلاغی استفاده شده است یا عادی؟
 «دریاب کنون که نعمتت هست به دست / کاین دولت و ملک می‌رود دست به دست»

۵ شعر زیر را به نثر روان برگردانید.
 بدانگه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره بردش نماز

۶ عبارت زیر را به نثر روان برگردانید.
 سیاوش را کرد باید درست.

۷ با توجه به ابیات زیر به پرسش پاسخ دهید:
 چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو
 چنان آمد اسب و قبای سوار / که گفتی سمن داشت اندر کنار

۸ منظور از «شاه نو» چه کسی است؟

۹ بیت دوم به کدام زمینه‌ی حماسی اشاره دارد؟

۹ چه عاملی در نوشته‌ی زیر منجر به شیوه‌ی بلاغی شده است؟
به شکوفه‌ها به باران برسان سلام ما را

۱۰ مفهوم مصراع «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

۱۱ در بیت «فرود آمد از اسب کاووس شاه/ پیاده سپهد، پیاده سپاه» منظور از سپهد چه کسی است؟

۱۲ با توجه به بیت «سر پُر ز شرم و بهایی مراست
اگر بی‌گناهم رهایی مراست» سیاوش رهایی خود را در چه می‌داند؟

۱۳ مفهوم اصلی مصراع اول بیت زیر را بنویسید.
«سراسر همه دشت بریان شدند
بر آن چهر خندانش گریان شدند»

۱۴ مصراع دوم بیت زیر بیانگر کدام ویژگی حماسه است؟
«چو بخشایش پاک یزدان بود
دم آتش و آب یکسان بود»

۱۵ مفهوم بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.
اگر کوه آتش بود بسپریم ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

۱۶ در بیت «سراسر همه دشت بریان شدند/ بر آن چهر خندانش گریان شدند»
الف) کدام واژه در معنای مجازی به کار رفته است؟
ب) معنای مجازی آن را بنویسید.

۱۷ مفهوم بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.
گذر بود چندان که گویی سوار
میانه برفتی به تنگی چهار

۱۸ آرایه‌ی مشترک دو مصراع زیر را مشخص کنید:
الف) زمین گشت روشن‌تر از آسمان
ب) همی خاک نعلش برآمد به ماه

۱۹ بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.
بدانگه که شد پیش کاووس باز
فرود آمد از باره، بردش نماز

۲۰ یک آرایه‌ی ادبی در مصراع دوم بیت زیر بنویسید.
«یکی تازی‌ای بر نشسته سیاه
همی خاک نعلش برآمد به ماه»

۰ با توجه به بیت‌های زیر به سوالات پاسخ دهید:
«مگر کاتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند
اگر کوه آتش بود بسپریم ازین تنگ خوار است اگر بگذرم»

۲۱ مفهوم مصراع اول بیت اول چیست؟

۲۲ واژه‌ی «خوار» به چه معنا است؟

۲۳ معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.

به نیروی یزدان نیکی دهش

کزین کوه آتش نیابم تپش

۲۴ معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی

بباید زدن سنگ را بر سبوی

۲۵ معنی و مفهوم نثر زیر را بنویسید.

بباید زدن سنگ را بر سبوی.

۲۶ مفهوم عبارت «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

۰ با توجه به بیت زیر، به ۲ پرسش بعدی پاسخ دهید.

مگر کآتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند

۲۷ مگر به چه معنایی به کار رفته است؟

۲۸ این واژه با کدام‌یک از ابیات زیر تناسب معنایی دارد؟

فراوان سخن باشد آکنده گوش

نصیحت نگیرد مگر در خموش

مگر کز شمار تو آید پدید

که نوبت به فرزند من چون رسید

۲۹ تفاوت معنایی «فرمودن» را در ابیات زیر بیان کنید.

الـف) و ز آن پس به موبد بفرمود شاه

که بر چوب ریزند نفت سیاه

ب) آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود

عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

۳۰ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

سراسر همه دشت بریان شدند

بر آن چهر خندانش گریان شدند

۳۱ مفهوم مصراع دوم بیت «سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

۳۲ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

چو بخشایش پاک یزدان بود

دم آتش و آب یکسان بود

۳۳ در بیت زیر، فردوسی با اشاره به نام «سیمرغ»، کدام زمینه‌ی اصلی حماسه را به کار گرفته است؟

تهمتن گز اندر کمان راند زود

بر آن سان که سیمرغ فرموده بود

۰ با توجه به شعر زیر، به ۲ پرسش بعدی پاسخ دهید:

چنین گفت موبد به شاه جهان

که درد سپهبد نماند نهان

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی

بباید زدن سنگ را بر سبوی

۳۴ «موبد» به چه معناست؟

۳۵ «سنگ بر سبو زدن» کنایه از چیست؟

۳۶ معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.
بیامد دو صد مرد آتش فروز
دمیدند گفתי شب آمد به روز

۳۷ معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.
هیونان به هیزم کشیدن شدند
همه شهر ایران به دیدن شدند

۳۸ مفعول را در دو بیت زیر مشخص کنید.
۱- همی کند سودابه از خشم موی
۲- همی داد مژده یکی را دگر
همی ریخت آب و همی خست روی
که بخشود بر بی‌گنه دادگر

۳۹ نقش «م» را در دو مصراع بیت زیر بررسی کنید.
ورایدون که زین کار هستم گناه
جهان آفرینم ندارد نگاه

۴۰ نمودار درختی جمله‌ی زیر را رسم کنید:
رخ شاه کاووس پر شرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید

۴۱ نقش قافیه‌ی بیت‌های زیر را مشخص کنید.
۱- نخستین دمیدن سیه شد ز دود
۲- سیایش بیامد به پیش پدر
زبانه برآمد پس از دود زود
یکی خود ز زین نهاده به سر

۴۲ نمودار درختی بیت زیر را رسم کنید:
به صد کاروان اشتر سرخموی
همی هیزم آورد پرخاش جوی

۴۳ نقش واژه‌های قافیه را در بیت زیر بیان کنید:
به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان

۴۴ نقش واژه‌های قافیه را در بیت زیر بیان کنید:
به صد کاروان اشتر سرخموی
همی هیزم آورد پرخاش جوی

۴۵ نمودار درختی ۲ جمله‌ی زیر را رسم کنید.
کزین دو یکی گر شود نابکار
از آن پس که خواند مرا شهریار؟

۴۶ نوع متمم را در ۲ بیت زیر مشخص کنید.
۱- پراندیشه شد جان کاووس کی
۲- زمین گشت روشن‌تر از آسمان
ز فرزند و سودابه‌ی نیک‌پی
جهانی خروشان و آتش، دمان

۴۷

نمودار درختی مصراع دوم بیت زیر را رسم کنید:
مگر کآتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند

۴۸

نقش واژه‌ی «آتش» را در دو بیت زیر بررسی کنید:

- ۱- چو او را بدیدند برخاست غو
 - ۲- مگر کآتش تیز پیدا کند
- که آمد ز آتش برون شاه نو
گنه کرده را زود رسوا کند

۴۹

بیت زیر را معنی کنید:

اگر کوه آتش بود بسپرم از این تنگ خوار است اگر بگذرم

۵۰

بیت زیر را معنی کنید:

بیامد دو صد مرد آتش فروز دمیدند گفתי شب آمد به روز

۵۱

در کدام بیت استفهام انکاری دیده می‌شود؟

- ۱- چو فرزند و زن باشدم خون و مغز
 - ۲- به پور جوان گفست شاه زمین
- که را بیش بیرون شود کار، نغز؟
که رایت چه بیند کنون اندر این؟

۵۲

مفهوم نهایی بیت زیر چیست؟

چنان آمد اسب و قباى سوار که گفתי سمن داشت اندر کنار

۵۳

بیت زیر اشاره به کدام زمینه‌ی حماسه دارد؟

پراکنده کافور بر خویشان چنان چون بود رسم و ساز کفن

۵۴

مصراع‌های زیر را معنی کنید:

- ۱- که رایت چه بیند کنون اندر این؟
- ۲- فرود آمد از باره بردش نماز.

۵۵

نمودار درختی ۲ جمله‌ی زیر را رسم کنید:

۱- همه شهر ایران به دیدن شدند. ۲- سراسر همه دشت بریان شدند.

۵۶

تعداد جملات ۲ بیت زیر را بررسی کنید.

- ۱- چو پیش پدر شد سیاوش پاک
 - ۲- چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی
- نه دود و نه آتش، نه گرد و نه خاک
بباید زدن سنگ را بر سبوی

۵۷

عبارت مشخص شده در بیت زیر معرّف کیست؟

- ۱- وزاین دختر شاه هاموران
 - ۲- چنین گفت موبد به شاه جهان
- پر اندیشه گشتی به دیگر کران
که درد سپهبد نماند نهان

۵۸

آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیان کنید:

به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان

۵۹ آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیان کنید:

سراسر همه دشت بریان شدند
بر آن چهرخندانش گریان شدند

۶۰ نقش قافیه‌ها را در بیت زیر مشخص کنید:

همی داد مژده یکی را دگر که بخشود بر بی‌گنه دادگر

۶۱ نمودار درختی هر یک از جملات زیر را رسم کنید.

۱- سیاوش سیه را به تندی بتاخت. ۲- همی ریخت آب و همی خست روی.

۶۲ هر یک از جملات زیر چند جزئی است؟

۱- سواران لشکر برانگیختند. ۲- رخ شاه کاووس پر شرم دید.

۶۳ دو مصراع زیر را معنی کنید:

۱- یکی تازی‌ای برنشسته سیاه ۲- سیاوش را کرد باید درست

۶۴ بیت زیر را معنی کنید:

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز
که را بیش بیرون شود کار نغز؟

۶۵ آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیان کنید.

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز
که را بیش بیرون شود کار نغز

۶۶ نقش واژه‌ی «دل» را در دو بیت زیر بیان کنید.

۱- که هر چند فرزند هست ارجمند
دل شاه از اندیشه یابد گزند

۲- همه سوی دوزخ نهادید روی
سپردید دل‌ها به گفتار اوی

۶۷ عبارت بیت زیر را معنی کنید:

همان به کزین زشت کردار دل
بشویم کنم چاره‌ی دل گسل

۶۸ بیت زیر را معنی کنید:

چنان آمد اسب و قبای سوار که گفتی سمن داشت اندر کنار

۶۹ مصراع‌های زیر را معنی کنید:

۱- ز هر در سخن چون بدین گونه گشت. ۲- همی خاک نعلش برآمد به ماه. ۳- از این تنگ خوار است اگر بگذرم.

۷۰ مصراع زیر را معنی کنید:

۱- دمیدند گفتی شب آمد به روز. ۲- فرود آمد از باره بردش نماز.

۷۱ نقش ضمیر «ش» را در مصراع‌های زیر بیان کنید:

۱- همی خاک نعلش برآمد به ماه. ۲- بر آن چهر خندانش گریان شدند.

۷۲ بیت زیر را معنی کنید:

اگر کوه آتش بود بسپرم
از این تنگ خوار است اگر بگذرم

۷۳

بیت زیر را معنی کنید:

چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی
بباید زدن سنگ را بر سبوی

۷۴

آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیان کنید.

رخ شاه کاووس پر شرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید

۷۵

در بیت زیر مفعول و مسند را مشخص کنید.

سرانجام گفت ایمن از هردوان
نگردد مرا دل نه روشن روان

۷۶

جمله‌ی زیر براساس شیوه‌ی بلاغی است یا عادی؟

«بزرگمردی بود خواجه نظام‌الملک»

۷۷

در شعر زیر از شیوه‌ی بلاغی استفاده شده است یا عادی؟

«به شکوفه‌ها به باران / برسان سلام ما را»

۷۸

وجود چه عاملی در مصراع زیر منجر به شیوه‌ی بلاغی شده است؟

«خواهد به سر آمد غم هجران تو یا نه؟»

۷۹

چه عاملی در شعر مقابل منجر به شیوه‌ی بلاغی شده است؟ «به شکوفه‌ها به باران / برسان سلام ما را»

۸۰

در جمله‌ی «الهی ترسانم به بدی خود»، چه عاملی باعث به‌وجود آمدن شیوه‌ی بلاغی شده است؟

۰

با توجه به متن زیر به ۴ سؤال بعدی پاسخ دهید:

«بهاران، رقص آرزوی من است در پیچ‌وتاب گیسوان باغ، بیا تا از دست‌چین نوبرانه‌ی باد سبیدی از طراوت پر کنیم.»

۸۱

نوع «ان» در بهاران بر چه مفهومی دلالت دارد؟

۸۲

در متن بالا کدام جمله به شیوه‌ی بلاغی بیان گردیده است؟

۸۳

صامت میانجی در واژه‌ی «گیسوان» کدام است؟

۸۴

واژه‌ای را بیابید که در آن فرآیند واجی کاهش دیده می‌شود.

۸۵

عبارت زیر به شیوه‌ی بلاغی است یا عادی؟ چرا؟

«رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید.»

۸۶

با توجه به درس، شخصیت کاووس شاه را چگونه می‌یابید؟

۸۷

مفهوم عبارت «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

ردیف	ب (آرایه)	
۱	تضاد (درس ۷ ص ۵۲)	(۰/۲۵)
۲	جناس (درس ۱۲ ص ۱۰۱)	(۰/۲۵)
۳	اسلوب معادله (درس ۶ ص ۴۱)	(۰/۲۵)
۴	حسن آمیزی (درس ۱۱ ص ۸۹)	(۰/۲۵)

۲ در بیت سؤال نقش ضمیر «ت» مضاف‌الیه است و در بیت «الف» نیز نقش «ت» پس از غمت (غم تو) مضاف‌الیه است. ولی «ت» در بیت «ب» نقش نهادی دارد. (بایدت ← تو باید)

۳ بلاغی (۰/۲۵)

۴ بلاغی (۰/۲۵)

۵ [سیاوش] هنگامی که نزد کاووس رفت (۰/۲۵) از اسب پایین آمد (۰/۲۵) و بر او تعظیم کرد. (۰/۲۵)

۶ باید سیاوش را اصلاح و تنبیه کرد. (۰/۲۵)

۷ سیاوش (۰/۲۵)

۸ خرق عادت (۰/۵)

۹ تقدیم متمم (۰/۲۵) (متمم در ابتدا ذکر شده است).

۱۰ آتش دوزخ در برابر این سخن (تهمت) برای من ناچیز و بی‌ارزش است. (یا هر پاسخی نظیر این مفهوم)

۱۱ کاووس

۱۲ سیاوش رهایی خود را در اثبات بی‌گناهی‌اش می‌داند.

۱۳ همه‌ی مردم غمگین شدند.

۱۴ خرق عادت

۱۵ اگر قرار بر عبور از میان آتش باشد، برای من آسان است.

۱۶ الف) دشت ب) مردم دشت

۱۷ فضای خالی بین دو کوه هیزم به اندازه‌ای بود که چهار نفر سوار به سختی می‌توانستند از آن عبور کنند.

۱۸ اغراق

۱۹ [سیاوش] وقتی پیش کیکاووس رفت، از اسب پیاده شد و تعظیم و فروتنی کرد.

۲۰ اغراق، ماه ← مجاز از آسمان، خاک نعلش برآمد به ماه ← کنایه از سرعت زیاد (ذکر یک مورد)

۲۱ شاید آتش سوزنده حقیقت را روشن و مشخص سازد.

۲۲ آسان یا سهل

۲۳ به کمک خداوند نیکی‌دهنده از این کوه آتش هراس ندارم (از آن عبور می‌کنم).

۲۴ اگر می‌خواهی حقیقت آشکار شود، باید به آزمایش و امتحان پردازی.

۲۵ باید به آزمایش و امتحان پرداخت.

۲۶ با این حرف تو تحمل آتش جهنم برای من آسان شد.

۲۷ شاید (امید است)

۲۸ بیت دوم

۲۹ در بیت اول به معنی دستور دادن

در بیت دوم به معنی انجام دادن

۳۰ همه‌ی مردم دشت غمگین شدند و به‌خاطر چهره‌ی خندان او گریستند.

۳۱ تحمل دوزخ برای من از پذیرش این سخن آسان‌تر است.

۳۲ وقتی بخشایش خداوند پاک باشد، آب و آتش در نظرش یکسان است.

۳۳ خرق عادت

۳۴ موبد: روحانی مشاور در امور سلطنت

۳۵ آزمایش و امتحان کردن.

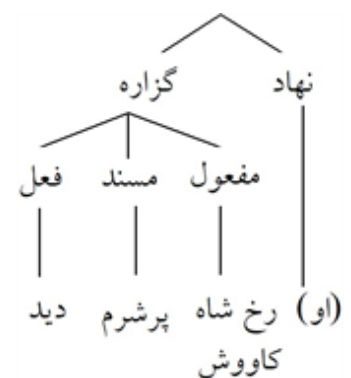
۳۶ دو‌یست مرد آتش روشن‌کن آمدند و در آن دمیدند انگار روز به شب تبدیل شد.

۳۷ اسب و شتران بزرگ مشغول به هیزم کشیدن شدند؛ همه‌ی مردم ایران نیز به تماشا مشغول گشتند.

۳۸ (۱) موی، آب، روی (۲) مژده

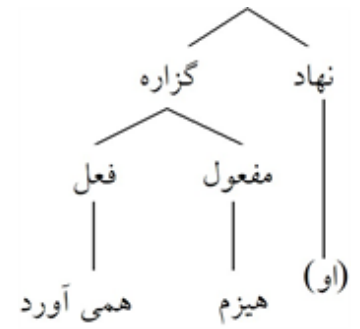
۳۹ م (برای من) ← متمم / م (مرا) ← مفعول

۴۰



۴۱ (۱) متمم / قید (۲) متمم / متمم

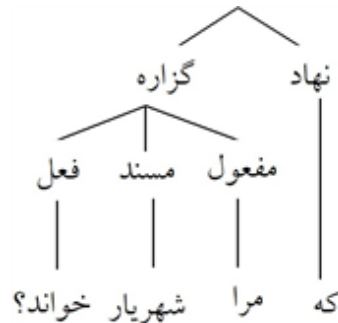
۴۲



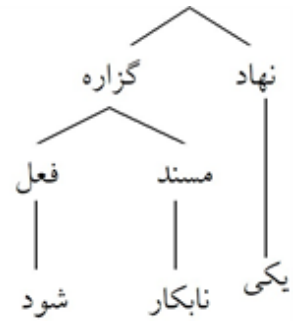
۴۳ ساروان ← نهاد کاروان ← ممیز

۴۴ سرخموی ← صفت بیانی

۴۵



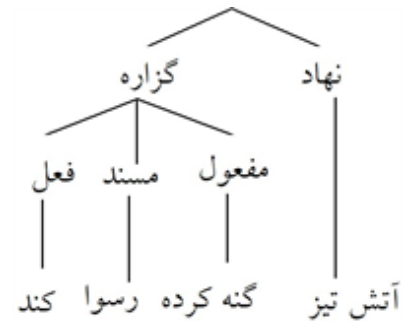
پرخاشجوی ← قید (بی نشانه = مشترک با صفت)



۴۶ (۱) فرزند و سودابه‌ی نیک‌پی ← متمم قیدی

(۲) آسمان ← متمم اسمی

۴۷



۴۸ (۱) متمم (۲) نهاد

۴۹ اگر قرار بر عبور من از آتش باشد، برایم آسان و سهل است.

۵۰ دو بیست مرد آتش‌افروز آمدند و بر آن دمیدند. گویا روز تبدیل به شب شد.

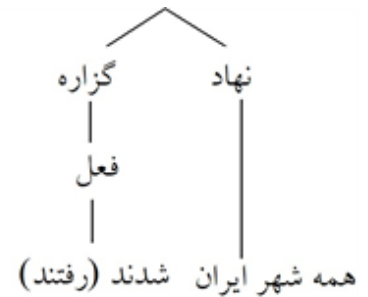
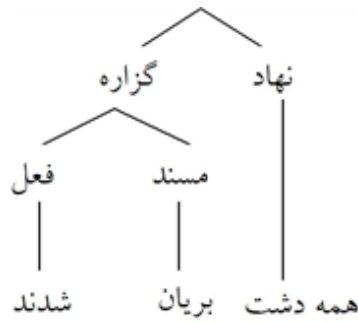
۵۱ بیت (۱) استفهام انکاری ← سؤالی است که نیاز به پاسخ ندارد و جواب آن واضح است.

۵۲ سالم گذشتن سیاوش از آتش

۵۳ زمینه‌ی قومی و ملی

۵۴ (۱) اکنون نظرت در این مورد چیست؟

(۲) از اسب پیاده شد و تعظیم و تکریم کرد.



جمله ۲ (۲)

۵۶ (۱) جمله ۳

۵۷ (۲) کیکاووس

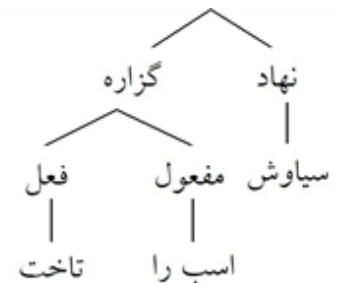
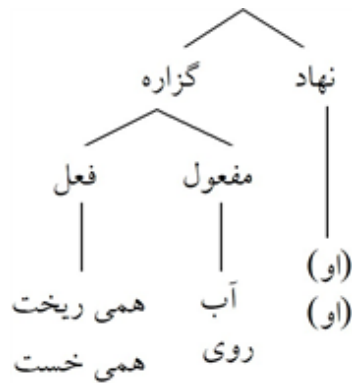
۵۷ (۱) سودابه

۵۸ ساروان، هیون، کاروان ← تناسب / ساروان، کاروان ← جناس / صد کاروان هیون ← اغراق

۵۹ دشت ← مجاز از مردم دشت

۵۹ خندان و گریان ← تضاد / بریان و گریان ← جناس

۶۰ دگر ← نهاد / دادگر ← نهاد



۶۲ ۱- دوجزبی ناگذر ۲- چهارجزبی گذرا به مفعول و مسند

۶۳ (۱) سیاوش یک اسب سیاه عربی سوار شده بود.

۶۳ (۲) سیاوش را باید اصلاح و تنبیه کرد.

۶۴ وقتی فرزند و زن در حکم خون و مغز وجود من هستند، دیگر برای کسی چیزی عجیب‌تر از این خواهد بود؟

۶۵ لف و نشر ← فرزند، زن (لف) / خون، مغز (نشر)

تناسب ← فرزند، زن / جناس ← مغز، نغز

۶۶ (۱) نهاد

۶۶ (۲) دل سپردن ← کنایه از تسلیم شدن و گوش دادن و پذیرش

۶۷ بهتر است که از این کار صرف‌نظر کنم.

۶۸ سیاوش با اسب و لباس خود از آتش بیرون آمد گویی آتش نبوده بلکه آتش تبدیل به گلستان شده است.

۶۹ ۱- به هر حال سخن چون به اینجا رسید. ۲- سرعت اسب تاختن سیاوش بسیار زیاد بود. ۳- گذشتن از این دو کوه

آتش برایم آسان است.

۷۰ ۱- آتش زدند (فوت کردند) گویی روز به شب بدل گشت. ۲- (سیاوش) از اسب پیاده شد و تعظیم و تکریم کرد.

۷۱ -۱- مضاف‌الیه. ۲- مضاف‌الیه.

۷۲ اگر قرار بر عبور من از میان آتش باشد برای من آسان است.

۷۳ اگر می‌خواهی حقیقت آشکار شود باید به آزمایش و امتحان (سیاوش یا سودابه) پردازی.

۷۴ حس‌آمیزی ← سخن گفتن نرم. جناس (ناقص اختلافی) ← شرم، نرم.

۷۵ مفعول ← چه چیز را + گفت؟ ← ایمن از هردوان نگردد مرا دل نه روشن روان.

مسند ← چگونه + نگردد؟ ← ایمن، روشن.

۷۶ بلاغی (۰/۲۵)

۷۷ بلاغی (۰/۲۵)

۷۸ جابه‌جایی اجزای کلام (فعل، مقدم شده است). (۰/۲۵) یا هر پاسخ مناسب دیگر

۷۹ متمم مقدم شده است. یا تقدیم متمم

۸۰ فعل بر متمم مقدم شده است. (۰/۵)

۸۱ بر مفهوم قید (زمان) دلالت دارد. (۰/۲۵)

۸۲ جمله‌ی اول (۰/۲۵)

۸۳ «و» (۰/۲۵)

۸۴ دست‌چین (۰/۲۵)

۸۵ به شیوه بلاغی، زیرا این جمله براساس قواعد دستوری نیست.

۸۶ شخصیتی خوش‌گذران که تحت تاثیر زنان وسوسه‌گر خویش است شخصیتی است ضد مردمی و سست عنصر و سست اراده و خیره‌سر و بدگمان.

۸۷ تحمل عذاب جهنم برای من، از تحمل این تهمت ناروا آسان‌تر است.